

مناجات نامہ محبوب

دُاؤ و نیاز و مناجات

با امامِ محبوب

حضرت قائم (عج)

سید علی اکبر صداقت

سرشناسه: صداقت، سید علی اکبر، ۱۳۳۴
عنوان و نام پدیدآور: مناجات نامه محبوب/ سید علی اکبر صداقت.
مشخصات نشر: قم، سرای کتاب ۱۴۰۰
مشخصات ظاهری: ۸۱ ص
شابک: ۷-۹۳-۲۴-۷۰۲۴-۶۲۲-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیبا.
موضوع: امام دوازدهم، دعاها
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ ۴ الف ۳۵ ص/ ۴/ BP۲۶۷
رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۷۷۲
شماره کتابشناسی ملی: ۵۳۵۱۵۳۱

انتشارات سرای کتاب

۰۹۱۰۷۷۱۷۱۸۷

شناسنامه کتاب

عنوان کتاب: ارتباط با امام مهدی (عج)
نویسنده و پژوهشگر: سید علی اکبر صداقت
ویراستار: سیدحسین پور ایزدی
مجری و ناظر: دکتر محمدتقی شفیعی
ناشر: سرای کتاب
تیراژ: ۵۰۰ جلد
نوبت و سال چاپ: اول/ ۱۴۰۰

«حق چاپ برای ناشر محفوظ است»

مقدمه

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

راز و نیاز و مناجات با محبوب، همیشه برای محب مطلوب است و این بستگی به حال بنده دارد؛ از قبض و بسط، خوف و رجاء، شوق و جذبۀ و

بهترین نجوا آن است که از دل بجوشد و بر لسان جاری شود.

ما در این مناجات‌نامه به حضرت امام سجّاد (ع) تأسی نمودیم و از ادعیۀ ابوحمزه ثمالی و مناجات خمس‌عشر که از آن جناب منقول است، بهره بردیم.

راز و نیاز از جانب بنده است که فقر مطلق دارد و در التجاء به محبوب مطلق، همه نوع مطالب که زیبنده او باشد، به شیوه‌ای خواهش‌گونه و ملتسمانه ابراز می‌شود.

روح مناجات واژگان صرف زبانی نیست، بلکه اعترافنامه و اقرارنامه‌ای است که واقعاً از سویدای دل برمی‌خیزد. ما معترفیم که نه محبوبمان را شناختیم تا آنچه زینده‌ او باشد را بگوییم و نه کلمات ما در خور و شایسته‌ او می‌باشد که البته آن هم از اشتباه و سهو به دور نیست. امید است این یادداشت و ترجمه و رازگویی‌ها مورد قبول حضرتش (عج) قرار گیرد.

یوسف مصری و من هم دست خالی آمدم
آدمم اما سر بازار، تحویل بگیر

سید علی اکبر صداقت
رمضان ۱۴۰۰ خورشیدی

مناجات نامه محبوب

- ۱- مولایم! چون عصمت ندارم و مستحق عقوبت هستم، پس مرا از درگاهت مران.
- ۲- مولایم! چون توانایی برای توست، پس مرا در امتحانات سخت، یاری فرما.
- ۳- مولایم! همه نیکی فقط در نزد توست و دسترسی بدان نیست، مگر از کرمت به من عطا کنی.
- ۴- مولایم! چطور من توانایی دارم، درحالی که به عون و مهربانی تو نیازمندم.
- ۵- مولایم! خدا نکند که بدی و گستاخی من سبب شود که تو از من خشنود نگردی و از حیطة هدایتت خارج شوم.
- ۶- مولایم! به تو، تو را شناختم و خودت مرا بر خودت

راهنمایی کردی.

۷- مولایم! اگر لطف و فیض تو نبود، چطور می توانستم تو را بشناسم.

۸- مولایم! ستایش مخصوص توست که تو را می خوانم با همه بدی هایم، می شنوی؛ پس خجالت زده از کردارم می شوم.

۹- مولایم! هنگامی که تو مرا می خوانی، در جواب دادن به تو درنگ و کندی می کنم و این از ضعف من است.

۱۰- مولایم! به زبان حال گویم که وقتی، از من می خواهی که به محب تو که در سختی و عسر زندگی می کند کمک کنم، آن وقت نفسم از عطا کردن مرا باز می دارد؛ پس مرا صفت عطابخشی ده.

۱۱- مولایم! برای نیازم تو را می خوانم و می دانم بدون واسطه و میانجی گر حاجتم را می دهی.

۱۲- مولایم! می دانم اگر غیر تو را بخوانم، خواسته ام را برآورده نمی کند.

۱۳- مولایم! چون امید به غیر شما می‌کنم، به در بسته برمی‌خورم و این برایم درس است که به غیر شما امید نبندم.

۱۴- مولایم! از شما ممنونم که مرا گرامی می‌داری و لطف می‌کنی؛ پس اگر مرا به دیگری واگذاری، آنان مرا خوار می‌کنند.

۱۵- مولایم! شما به من مهرورزی می‌کنی و حال آنکه از من بی‌نیازی.

۱۶- مولایم! ستایش برای توست که با خراب‌کاری اعمالم با من بردباری می‌ورزی؛ انکار من خطائی نکردم!

۱۷- مولایم! راه راست به سوی شماست و درهای امید شما باز است ولی گاه‌گاهی نفسم از راستی به کجی می‌کشاند؛ ولی چنان امید به شما دارم که مرا به راستی می‌کشانی.

۱۸- مولایم! آرزومند شمایم، به خاطر افزون‌بخشی شما؛ پس از شما یاری می‌خواهم که این آرزومندی از من به شما کم نشود.

۱۹- مولایم! درهای دعا از فریاد خواهان برای همه باز است؛ این من هستم که دعایم از جانم با سوز بلند نمی‌شود؛ چون که اشتغالات، نفسم را مشغول کرده و صدایم بو و رنگ داعی مخلص را ندارد؛ پس به کرمات این نفسم را از اشتغالات نجات و شفا ده.

۲۰- مولایم! می‌دانم که هر کس به تو امیدوار است، در جایگاه پاسخ‌دانی و برای اندوهگینان، فریاد رسی؛ پس مرا امیدوارتر کن و به فریادم برس.

۲۱- مولایم! دائم در حسرتِ بخشش هستم؛ مانع از من است، ولی حرص و طمع به بخشش دارم؛ پس مانع مرا به بخشش برطرف نما و طمعم را به بخشش زیاد نما.

۲۲- مولایم! مسافتِ کوچنده به سویت نزدیک است؛ اگر نفسم مرا از کوچندگی باز دارد چه کنم؟ بیچاره منم که راحل حقیقی به سویت نیستیم؛ ای فریادرس بیچارگان!

۲۳- مولایم! اعمال ما حجاب بین ما و توست و دفع حجاب از ما کار آسانی نیست، پس به حقّ خودت این حجاب‌ها را از ما دور بفرما.

۲۴- مولایم! قصد من شمایی؛ طلبم شمایی؛ از اینکه طلبم ضعیف و قصدم بی‌رنگ است، ببخشا ای بخشندهٔ مهربان.

۲۵- مولایم! به خواندن به‌سوی تو، دستاویز شدم و دادخواهی‌ام را به تو قرار دادم، ای مستغاث.

۲۶- مولایم! اطمینان به کرمت دارم و آرامش دلم به صدق وعده‌ات می‌باشد؛ پس ای کریم! این دل را به وعده‌هایت آرام و مطمئن بفرما.

۲۷- مولایم! یقین مرا به معرفت خود بیشتر کن، تا مبادا غبار شک و ریب، نفسم را فرا بگیرد و سبب شود از تو دور گردم.

۲۸- مولایم! گفتهٔ شما حق و وعدهٔ شما صدق است؛ از خداوند می‌خواهم گفته و وعده‌ام همانند شما به حق و صدق باشد.

۲۹- مولایم! از صفات توست بخشش عطیه‌ها و همیشه در حال فیض‌رسانی هستی؛ این منم که عطایای تو را درک نمی‌کنم و خیال می‌کنم، شما از بخشش خودداری می‌کنی!

۳۰- مولایم! سیرهٔ شما منّانی است؛ با بخشش بر همهٔ شیعیان و به دلسوزی و مهربانی به آنها نظر داری؛ ولی من ادراک این معانی و حقایق را به خاطر غبار تخیلات ندارم؛ از شما استدعای عاجزانه دارم مرا به فهم این معانی بهره‌مند سازی.

۳۱- مولایم! از کوچکی مرا به احسان‌ها و نیکی‌هایت بهره‌مند ساختی؛ پس مرا در پیری هم به این الطاف بهره‌مند ساز.

۳۲- مولایم! مرا در دنیا پرورش بده که کسی جز تو این کار از او ساخته نیست؛ چون هر مربی نسبت به شما تربیت کردنش کوچک است.

۳۳- مولایم! اگرچه در دنیا سر سفرهٔ کرم و بزرگواری شمایم، در آخرت هم مرا از شفاعت خویش بهره‌مند ساز.

۳۴- مولایم! شفیع و دلیل من، دوست داشتن شماست و من مطمئنم از این خواهش خواهی‌ام و دل آرامم به این شفاعت شما.

۳۵- مولایم! تو را می‌خوانم با زبانی که گناه آن را گنگ کرده است و با قلبی با تو راز و نیاز می‌کنم که جرم او را هلاک کرده است؛ پس زبان و قلبم به عنایت شما احتیاج مبرم دارد و این کار از کس دیگر بر نمی‌آید.

۳۶- مولایم! چون به گناهانم می‌نگرم، فریادم بلند می‌شود؛ چون کرم شما را می‌بینم طمع به آن می‌کنم که خط عفو بر آنها می‌افکنی و درمی‌گذری و تو بهترین مهربانانی.

۳۷- مولایم! درخواست کردیم با گستاخی همراه است و این دلیل بیچارگی من است؛ امیدوارم از این حالت مرا بیرون ببری.

۳۸- مولایم! کمی شرمم در حال سختی و راحتی نسبت به جنابت، دلیل بر ضعف من است؛ چون به رأفت و دلسوزی‌ات می‌نگرم امیدوار می‌شوم که مرا عفو کنی و از این رذیله نجات دهی.

۳۹- مولایم! بشنو دعایم را؛ ای بهترین کسی که می خواند
او را خواننده‌ای و برترین کسی که امیدوار کند او را
امیدوارکننده‌ای!

۴۰- مولایم! می دانم کردارم بد و ضعیف است؛ اما لطف
شما بزرگ تر است که به خاطر آن مرا از درگاهت برانی.

۴۱- مولایم! آرزویم بزرگ و کردارم بد است؛ پس ببخش
مرا به اندازه آرزویم.

۴۲- مولایم! بازخواست نکن مرا به بدترین کردارم؛
به راستی که جوانمردی ات بزرگ تر از مجازات محبّ
ضعیف و ناتوان است.

۴۳- مولایم! شکیبائی تو بزرگ تر است از من که ادّعی
شیعه گری تو را دارم؛ ولی در عمل گاهی مقصّر و گاهی
قاصر م.

۴۴- مولایم! به افزون بخشی ات پناهنده‌ام؛ از همه گریزانم
و به سوی شما میم، پس مرا پناه ده.

۴۵- مولایم! گمانم به تو نیکوست ولی به خاطر سستی هایم در کارهایم، چشم پوشی تو را می طلبم که تو به خوش گمانان، خوش بینی.

۴۶- مولایم! تصدق و گذشتت را بر من جاری کن که فقیر توام و به صدقه تو محتاجم، چون کیسه ام خالی است، به شما نیازمندم که شما بی نیازید.

۴۷- مولایم! پرده پوشی ات، آبروی مرا نزد خلائق حفظ کرده است؛ تو ستاری و از تویخ کردنم نیز شکیبایی داری؛ عتاب نمی کنی و من از ساحت مقدست کمال تشکر و سپاس را دارم.

۴۸- مولایم! شما بهترین عیب پوشانی و به کرمات خطاهای مرا می پوشانی و نمی گذاری میان خلائق رسوا شوم؛ چون با حلمت با من برخورد می کنی، لذا در صدد این نیستی ای ارباب، رعیتت را مجازات کنی، بلکه با تأخیر و شکیبایی رفتار می نمایی.

۴۹- مولایم! ستایش برای توست که با علم به اعمال ناصوابم حلم می‌ورزی؛ در مقام دعا برمی‌آیی تا شاید این محبّ ناچیز به خود آید و از ناصوابی به صواب در آید.

۵۰- مولایم! نفسم مرا می‌فریبد؛ وقتی می‌بیند مولایم به من شکیبائی و رأفت دارد؛ پس مرا با قلت حیا و میل به محرّمات از بین می‌برد؛ من به واسع بودن مهربانی‌ات متمسک می‌شوم ای بزرگ گذشت.

۵۱- مولایم! شما شکبیا و بخشنده‌اید؛ پذیرندهٔ مقرّین (اقرار کنندگان) و معترفین (اعتراف کنندگان) از خطاکاران می‌باشی و من همانم؛ ای قدیم الاحسان و ای بزرگ پذیرنده.

۵۲- مولایم! شما بر من به پوشش جمیل برخورد می‌کنی و گذشتت از من بزرگ است و فریاد رسی‌ات به من سریع است؛ مهربانی‌ات پهناور و بخشش‌هایت فزون‌دار است؛ خوشحالم چنین مولایی دارم و از شما سپاسگزارم.

۵۳- مولایم! عطایای شما، فاضله و مواهبت گوارا و فضلت بزرگ و نیکویی کردنت تناور و احسانت دیرینه است؛ پس

این محبّ ضعیف خودتان را به فضل و احسان بی کران
خود بهره‌مند فرما.

۵۴- مولایم! شما محسن و منعم من هستی و هم افزون
بخشی؛ مرا از مکاید نفسم نجات ده و به مهربانی‌ات رهائی
ده.

۵۵- مولایم! نمی‌دانم از چه سپاسگزاری کنم؟ از زیبائی
آنچه را می‌گسترانی یا از زشتی آنچه را از من می‌پوشانی
یا از بزرگی آنچه آزمودی و سپس احسان کردی یا از
زیادی آنچه از آن نجات دادی و تندرست گردانیدی.

۵۶- مولایم! شما دوست کسی هستی که به تو دوستی
ورزد و نور چشم کسی هستی که به تو پناهنده شود و به
سویت از همه ببرد؛ پس مرا در کشتی دوستی و
پناهندگی‌ات قرار بده.

۵۷- مولایم! شما محسن و من بدکارم؛ پس از زشتی آنچه
انجام داده‌ام که موجب اذیت قلب مبارکت شد، به واسطه
زیبایی که در پیشگاه توست از من در گذر.

۵۸- مولایم! نادانی‌ام زیاد است؛ تنها جوادی‌ات و بخشش شامل حال این اضعف شود تا از کارهای جاهلانه و ناصواب نجات پیدا کنم.

۵۹- مولایم! اعمال ما ارزش ندارد تا در کنار ت مورد توجه قرار گیرد؛ پس به حق اجداد ظاهرینت اعمال ما را از نظر کمی نجات بده تا کیفیت و توجه اعمال ما نسبت به جنابت بیشتر شود.

۶۰- مولایم! ای پنهان‌آموزش و ای گستراننده دو دستانش را با مهربانی کامل، امشب همه بیچارگان را به لباس رحمت و اسعادت بهره‌مند نما.

۶۱- مولایم! اگر مرا از درگاهت برانی، نخواهم رفت؛ گویم شما ما را از درگاهت نمی‌رانی، بلکه کردارم سبب می‌شود تا از درگاهت فاصله بگیرم؛ پس این فاصله را به کرم‌ت کم کن! تا مبادا به هبوط بیفتم.

۶۲- مولایم! جدّت امام سجاد (ع) تملّق به درگاه الهی را (در دعای ابوحمزه ثمالی) ممدوح می‌دانند؛ من هم به

درگاه شما تملق می‌کنم تا شاید دریای جودت مرا دریابد
و از این حالت سستی و کاهلی نجات پیدا کنم.

۶۳- مولایم! شما انجام‌دهنده هستی بر آنچه بخواهی و
کسی نیست که بر فعل شما چون و چرا کند و بر
فرمانروائی‌ات کشمکش کند و خرده بگیرد در تدبیرت؛
پس مرا مرهون الطاف بی‌کران خود قرار بده.

۶۴- مولایم! در مقامی هستم که به تو روی آورده‌ام و به
کرمت پناه می‌جویم؛ چرا که به احسان و نیکی‌هایت خو
گرفتم.

۶۵- مولایم! شما بخشنده‌ای که بر گذشتت تنگ نشود و
نکاهد افزون‌بخشی‌ات را و کم نشود مهربانی‌ات؛ پس این
شیعهٔ ناچیزت را از خزانهٔ غیبت و از افزون‌بخشی‌ات
بهره‌مند ساز.

۶۶- مولایم! من اطمینان دارم از شما به چشم‌پوشی دیرینه
و افزون‌بخشی بزرگ و مهربانی واسعه؛ پس لباس این
صفات را، به تن و جانم بپوشان.

۶۷- مولایم! گمانم به شما نیکو است؛ به راستی بر من است در شما آرزوی دراز و امید بزرگ؛ پس ناامید مگردان آرزویم را، در شما.

۶۸- مولایم! تو را می‌خوانم و امیدوارم که جوابم را بدهی، اگرچه نافرمانی تو را کرده‌ام.

۶۹- مولایم! اگرچه سزاوار رأفت نیستیم، امّا می‌دانم که شما مرا از خودت بر نمی‌گردانی به خاطر اینکه احسانت ازلی و فضلت مطلق و جوادیت بی‌پایان است.

۷۰- مولایم! بر من منت بگذار به آنچه تو سزاوار آنی و ببخش مرا؛ به راستی من نیازمند بخشش تو هستم.

۷۱- مولایم! مرا به نورت راهنمایی فرما و به افزون بخشی‌ات توانگر گردان و به نعمت‌های مادی و معنوی‌ات بهره‌مند کن.

۷۲- مولایم! چه شده مرا که به الطاف خود بهره‌مند می‌کنی و دوستی می‌ورزی، ولی من با کارهای اشتباه و خطاهایم تو را ناراحت می‌کنم.

همیشه خیر تو به سویم نازل بوده، ولیکن بدی ام به شما
می رسد و سبب غم شما می شوم؛ پس ای ملک کریم مرا
دریاب! دریاب!

۷۳- مولایم! چقدر بردباری تو و چقدر بزرگواری تو و
چقدر با کرامتی تو، بزرگ است.

تحسینت می کنم که من عجول و کوچک و بخیل را
تحمل می کنی.

۷۴- مولایم! وسیع است فضل شما و بزرگ تر است
بردباری شما، از اینکه بسنجی مرا به کردارم و اشتباهم.
آقای من گذشت! گذشت!

۷۵- مولایم! مرا به یادت مشغول دار و از خشمت مرا پناه
و رهایی ده!

۷۶- مولایم! مرا از مواهبت روزی کن و از فضلت ببخشای
و روزی ام کن به انجام فرمان بری ات!

۷۷- مولایم! کفایت کن مرا از آنچه اندوهگین می کند از
کار دنیا و آخرت و قرار ده بر من از جانب خودت سپری

ماندگار و آنچه را به من بخشیدی به خاطر بعضی کردارم
از من مگیر!

۷۸- مولایم! برایم دعا کن که روزی حلال و پاکیزه نصیبم
شود و از هر رزق شبهه ناک و حرام دور شوم.

۷۹- مولایم! مرا به حراست خودت پاسداری کن و به
نگهداری ات حفظ کن.

۸۰- مولایم! توفیق توبه کردن را به من عطا کن تا
نافرمانی نکنم و شما را ناراحت ننمایم و در دلم خیر و عمل
به آن را بینداز تا از طریقت شما بیرون نروم.

۸۱- مولایم! از بدی روزگارم اینکه وقتی برای عبادت و
راز و نیاز آماده می شوم، حالت سستی و بی حالی بر من
غالب می شود و نشاط و توجه در من کم می شود.

به لطفت به این محبّ ناچیز منت بگذار و مرا از این
بی حالی نجات بده.

۸۲- مولایم! هر وقت فال نیک می زنم و خوش گمان به
کارهایم می شوم، انکار نفس دخالت می کند و میان من و
شما مانعی رخ می دهد و این نیست مگر از دخالت نفس

آماره که می‌خواهد مرا از قرب شما دور کند؛ پس به حق اجداد طاهرینت مرا از این بلیه نجات بده! تا از شما دور نشوم.

۸۳- مولایم! از تنبلی و سستی در مراقبه و توجهم به شما، شاید از درگاهت مرا رانده‌ای و از خدمت کردن به تو، مرا به دور فرستادی؛ یا شاید من سبک شمارنده به حقت هستم و بین من و شما فاصله افتاده.

یا شاید دیدی مرا که از شما روی گردان هستم پس به من بی‌توجه شدی.

به حقّ خودت مرا از درگاهت نران و فاصله‌ها را کم کن! تا حال توجهم به شما ای ارباب کریم بیشتر و بیشتر شود.

۸۴- مولایم! چون حالت دروغگویان در من ظاهر می‌شود و حالت ناسپاسان نسبت به شما به من دست می‌دهد و حالت بی‌خبران به جانب مکرمّت مرا می‌گیرد، پس به محرومیت از شما مبتلا می‌شوم و حالت ناامیدی نسبت به شما به من دست می‌دهد.

پس به حق اسماء اعظم الهی این حالت‌های ناصواب را

از من دور بفرما!

۸۵- مولایم! گاهی در مجالس بیکاران و اهل غفلت شرکت می‌کنم، پس میان من و شما فاصله‌ای می‌افتد؛ آن وقت نمی‌دانم که دعایم را می‌شنوی و یا من بسیار از شما دور افتاده‌ام و به مکافات عملم رسیده‌ام؛ این خسرانی بزرگ برایم می‌باشد؛ پس به خاطر مخلصین به شما این غفلت را از من دور بفرما.

۸۶- مولایم! چون شرمم از شما کم می‌شود، توفیقاتم هم کم می‌شود؛ خود را مقصّر می‌یابم پس خود را به افزون بخشی‌ات دلداری می‌دهم و امید بسیار به کرم شما پیدا می‌کنم، تا شاید از این حالت کم شرمی درآیم و سبب غم شما نشوم.

۸۷- مولایم! گرچه مجرم هستم و خطاکار و اعتراف به این موضوع دارم، ولی به چشم‌پوشی شما امیدوارم و گمانم در این جهت به شما نیکو می‌باشد.

۸۸- مولایم! نیکو گردان! گمانم را به خودت، مبادا لغزش‌هایم سبب شود که گمانم به شما ضعیف گردد.

پناه به خداوند می برم که از حُسن ظنّم به شما کم شود.

۸۹- مولایم! با گذشتت بر من تصدّق کن و باشکوه گردان مرا؛ به پرده پوشی ات و به کرمّت بر من تفضّل فرما.

۹۰- مولایم! من کوچکم؛ این عنایت و پرورش شما بود تا بدین جا رسیده ام، این لطف شما بود که مرا از گمراهی راهنمایی فرمودی؛ این بزرگواری شما بود که مرا از نادانی به معرفت خودتان دانا کردی.

۹۱- مولایم! به رفعت شما، من از دون پایه ای، بلندی پیدا کردم؛ به غنای شما از فقر، توانگر گردیدم؛ به نیرومندی شما، از ضعف توانا گشتم؛ به عزّت شما، من از خواری عزیز شدم.

۹۲- مولایم! من شخص ترسویی بودم که اطمینان دادی به من، تا ترس از وجودم برود.

۹۳- مولایم! گرسنگی و تشنگی ام با فیض محبت شما برطرف می شود، چرا که من تشنه و گرسنه محبت شمایم.

۹۴- مولایم! بیماری ام جسمانی نیست؛ من سقیم و بیمارم؛ مرا بهبود ببخش! تا به شفای شما احوال درونم نیکو گردد.

۹۵- مولایم! من سائلی هستم که عطا نمودی؛ ولی
اشتباه کاری ام را نادیده گرفتی و ناتوانم که یاری ام
نمودی، رانده شده‌ای هستم که مرا پناه دادی.

۹۶- مولایم! حرمت شما را روا نداشتیم؛ در خلوت از شما
شرم نکردم و در میان مردم، ملاحظه شما را ننمودم؛ پس
مرا به حرمت خودت ببخش.

۹۷- مولایم! من کسی هستم که دارای گرفتاری‌های
بزرگم؛ من کسی هستم که با کارهایم گستاخی کرده و
موجب رنجش شما شدم؛ اکنون پشیمانم و امید دارم که
کرمت شامل حال این محبّ ضعیف شود.

۹۸- مولایم! من بنده توام، ولیکن هرچند به زبان حال
فرمودی و مهلت دادی من گوش ندادم و خطاهای مرا
ای امام پوشاندی؛ پس حیا نکردم و نافرمانی پشت سر
نافرمانی را انجام دادم و از حد گذرانیدم؛ آن قدر تعدّی
کردم که از چشم شما افتادم ای چشم خدا!

باز امیدوارم به عطایای کریمانه شما که این شیعه ناتوان را از درگاهت نرانی که عادت شما احسان و سجیت شما کرم است.

۹۹- مولایم! این مذنب را به بردباری ات مهلت دادی و به پرده پوشی ات پوشاندی، تا جایی که بی خبری به سراغم آمد و خیال کردم تو از من شرم داری درحالی که عقوبات پشت سرم بود، ولی شما آن مجازات ها را از من به دور داشتی.

۱۰۰- مولایم! من به امامت شما اقرار دارم و رأفت و مهربانی ات را می دانم که بر سر شیعیان و این فقیر نادان سایه انداخته است.

۱۰۱- مولایم! سهل انگاری ام زیاد و سبک شمارندگی ام به فرمان شما بسیار است؛ در نتیجه نفسم برای مغلوبیتم، مسائل خودش را در نزدم آراسته می کند تا جایی که هوای نفسم بر من پیروز گشته است.

بدون نصرت و یاری شما نمی توانم از این موضوع رهایی یابم.

۱۰۲- مولایم! من بدبختم، چرا که هوای نفسم مرا بر خرابکاری‌ها امر می‌کند پس مبتلا به آن می‌شوم و پرده‌پوشی‌ات سبب آن می‌شود که مغرور به کارهای خود بشوم؛ پس الآن چه کسی می‌تواند مرا از این حجاب نجات بدهد، جز فیض مطلق شما ای صاحب‌الامر.

۱۰۳- مولایم! کیست غیر شما مرا از گرفتاری و رنج و عذاب دنیا نجات بدهد؟ کیست مرا از دستان دشمنانم خلاص و رها کند؟ منجی شما باشید و به ریسمان شما توسّل می‌جویم.

۱۰۴- مولایم! به ریسمان ولایت شما پیوند کردم و از توسّل به ریسمان دیگران بریده‌ام؛ مبادا به‌خاطر بعضی افعال که سبب رکود و جمودم می‌شود، ریسمان پیوندم به شما بریده شود و هبوط کنم.

۱۰۵- مولایم! وای بر من از رسوایی بر آنچه از کردارم که دیده‌ای، ولی امیدوارم به سعه رحمتت و اینکه شما مرا ناامید نمی‌کنی و من پیوسته با حال رجا به دامن شما متمسک هستم.

۱۰۶- مولایم! شما بهترین کسی هستی که صدای نحیف این راجی را می شنوی و بهترین کسی هستی که هر که به تو امید بندد، امیدواری را برایش می گشایی؛ پس مرا از ساحت امیدوارانت بیرون مکن!

۱۰۷- مولایم! به ضمانت اسلام و حرمت قرآن و حبّ پیامبر هاشمی، جدّت، امیدوارم مرا به پیشگاهت منزلتی بدهی تا لذّت محبّت و معرفت به خودت را بچشم.

۱۰۸- مولایم! چون حریف نفسم نمی شوم، به وحشت می افتم که نامم را از محبّین خود خط بزنی؛ گرچه به زبان قبولت دارم، اما دچار اغواء نفسم می شوم و این بدترین خسران است؛ لذا استدعای عاجزانه دارم در مبارزه با نفسم کمکم کنی تا از زمره محبّین ثابت و پایدار بمانم.

۱۰۹- مولایم! به آنچه جانب شما آرزو می کنم، مرا برسان و امیدت را در سینه ام پایدار بدار و بعد از آنکه مرا به خودت راهنمایی کردی، ثابت قدم بدار.

۱۱۰- مولایم! قسم به عزّتت اگر مرا از خودت برانی، نخواهم از درت بیرون روم؛ با زبان قال و حال و

تملق گویم (اگر برانی نروم از این در) چون آگاهی به
سعه رحمت و کرم واسعة شما دارم.

۱۱۱- مولایم! عبد فقط به سوی مولا و ارباب و آقایش
می رود و من هم عبد شمایم، جز شما پناهگاهی
نمی شناسم.

۱۱۲- مولایم! در همه احوال امیدم را از تو بر نمی گردانم
و از درگذشتت از من بر نخواهم گشت و محبتت از دلم
بیرون نمی رود.

دست گیری هایت و الطافت را فراموش نخواهم کرد؛ یکی
از آنها این است که عیب پوشی ات را در دنیا بر من
رواداشتی.

۱۱۳- مولایم! دوستی دنیا را از دلم بیرون آر! و با دوستان
و ابرار و اوتاد جمع کن! تا اینکه دلم مملو از ودّ تو و
دوستانت شود.

۱۱۴- مولایم! توفیق بازگشت به درگاہت را به من عطا و
منتقل کن و مرا به گریه کردن بر حال خودم یاری کن.

۱۱۵- مولایم! همانا تباه کردم عمرم را با تأخیر انداختن کارهای صواب و در آرزوهایم عمرم را سپری کردم؛ حال پشیمانم و امید لطف خاصی را از شما دارم.

۱۱۶- مولایم! چه کسی حالش بدتر از من است که از شما دور افتاده‌ام و کارهایم را هموار ننموده‌ام؛ چون عمل صالحی ندارم به هجران از شما افتاده‌ام، پس التفاتی به این دوستدار مریضت بنما.

۱۱۷- مولایم! نفسم حيله گری می کند و روزگار مرا گول می زند، درحالی که به سوی مرگ می روم و هیچ زاد و توشه‌ای نیندوخته‌م؛ پس ای صاحب نفس مطمئنه، نفسم را از حيله‌های نفس آماره‌ام نجات بده.

۱۱۸- مولایم! حال که بی بضاعت هستیم و مسیرم به سوی گور است و نمی دانم چه بلایی در قبر بر من وارد آید، پس عاجزانه خواهش دارم این محب کاهل و قاصر را از یاد نبری و عنایت را از من در هیچ موقعی دریغ نداری!

۱۱۹- مولایم! قیامت کارم سخت تر است، از اینکه نه زاد و نه توشه‌ای دارم؛ درحالی که بار سنگین گناه پشتم را خم می‌کند.

۱۲۰- مولایم! تکیه‌گاهم، اعتمادم، امیدم و توکلم شمایی؛ به مهربانی توست دل‌تنگی من؛ می‌رسانی به مهربانی‌ات هر که را بخواهی و هدایت می‌کنی به جوانمردی‌ات هر که را دوست می‌داری.

۱۲۱- مولایم! ستایش مخصوص توست که دل‌م را پاک گردانیدی و زبان‌م را باز گشودی چطور با این زبان سپاسگزاری‌ات کنم؟ چطور با نهایت کوششم تو را خشنود سازم؟ چیست ارزش زبان‌م در کنار سپاسگزاری‌ات؟ چیست ارزش کردارم در کنار نیکی‌های تو؟

۱۲۲- مولایم! بخشش گشوده آرزویم را و سپاسگزاری‌ات پذیرفته کردارم را؛ به‌سوی توست میل‌م و هراس‌م و آرزویم.

۱۲۳- مولایم! آنچه نزد توست شادمان کرده میل‌م را؛ برای توست امید ناب‌م و به تو خو گرفته علاقه‌ام و به‌سوی تو

افکندم دست خودم را و به ریسمان فرمان بری ات دراز
کردم پارسائی ام را.

۱۲۴- مولایم! به یاد تو زندگی کند دلیم و به راز و نیازت
خنک کردم درد ترس را از خودم.

۱۲۵- مولایم! ای آرزو شده من و ای حد نهائی خواهشیم!
خواهش می کنم که جدائی اندازی میان من و میان آن
گناهیم که بازدارنده است از پیوسته بودن با فرمان بری ات.

۱۲۶- مولایم! از تو درخواست می کنم از تو به خاطر امید
قدیمی ام که در تو دارم و آزمندی بزرگم نسبت به تو،
آن آزمندی که لازم گردانیدی آن را بر خودت از
مهرورزی و مهربانی.

۱۲۷- مولایم! همه ما مصنوع و جیره خوار توایم و در کف
قدرت تو هستیم؛ به من مهربانی کن! هنگامی که بریده شد
دلیم.

ای بزرگ! امیدم را ناامید مگردان! هنگامی که سخت
گردد درماندگی ام و نران! مرا به خاطر نادانیم و باز مدار!
به خاطر کمی بردباری ام.

۱۲۸- مولایم! به خاطر نداری ام به من ببخش و به خاطر ناتوانی ام به من مهربانی کن! که اعتماد و تکیه گاه و امید و توکل من بر توست.

۱۲۹- مولایم! به مهربانی ات دل بسته ام و به درگاہت بارم، را انداخته ام و به بخشش اراده نمودم خواسته ام را و به کرمت دعایم را آغاز می کنم.

۱۳۰- مولایم! در درماندگی ام به شما امید می بندم و نیازم را به توانگری ات جبران می کنم و به پا ایستادنم در زیر سایه بخشش توست.

۱۳۱- مولایم! به کرمت چشم دوخته ام و پیوسته نگاهم به احسان توست.

۱۳۲- مولایم! تو نور چشمم هستی؛ ای آقای من! گمانم به احسانت و بخشش می باشد، پس ناامید مگردان مرا از پاداشت که تویی آگاه به فقرم.

۱۳۳- مولایم! نمی دانم که مرگم نزدیک شده، ولی هنوز عملی که مرا به تو نزدیک کند، انجام نداده ام و اقرار به اشتباهاتم دارم و از ساحت شما عذر می خواهم.

۱۳۴- مولایم! اگر از خطاهایم درگذری، پس چه کسی لایق تر از تو به گذشت می باشد؛ من از شما به دور افتادم و وقت رفتن از دنیا دست خالی می باشم؛ لذا در گور در ترس و وحشتم، اگر شما نظری بیندازی، کارم اصلاح می شود؛ زاد و توشه ام ناچیز است، به واسطه شما ویژه می شود ای صاحب سجّیت و احسان.

۱۳۵- مولایم! کارهای بدم بر انسان ها به خاطر ستّاریت شما پوشیده اس؛ پس پیوسته گردان بر من آنچه را به وسیله آن مرا پوشاندی و تفضّل کن بر من درحالی که از افعال ناصوابم پاک نشده ام.

۱۳۶- مولایم! اگر واگذاری مرا به حال خودم، هلاک می شوم؛ پس به خاطر لغزش هایم، به سویت ناله می کنم و طلب فریاد رسی از شما می کنم و این هم به عنایت توست، تا هلاک نشوم و بدی هایم پاک شوند.

۱۳۷- مولایم! کیست یار من؟ کیست مهربانی کند مرا اگر تو مهربانی نکنی؟

۱۳۸- مولایم! افزون بخشی چه کسی را آرزو کنم اگر از دست بدهم افزون بخشی تو را در روز درماندگی ام؟ با بار گناهانی که دارم به سوی چه کسی فرار کنم؟ در حالی که عمرم به پایان رسیده است.

۱۳۹- مولایم! به واقعیت برسان! امیدم را و اطمینان بخش ترسم را؛ جز به گذشت تو از من، امیدی ندارم.

۱۴۰- مولایم! درخواست‌هایی که از شما می‌کنم، بیشتر لایق آن نیستم؛ ولی شما سزاوار اجابت دعاهایم می‌باشی.
۱۴۱- مولایم! پیوشان از جانبت لباسی را که پیوشاند بر من بدی‌هایم را و درگذر که شما منت‌گذار دیرینه‌ای و دارای چشم‌پوشی بزرگ و جوانمردانه‌ای.

۱۴۲- مولایم! تویی که سرازیر گردد عطایت بر آنکه درخواست نکند از تو؛ پس چگونه است عنایتت آقای من به حال کسی که درخواست از تو می‌کند و یقین دارد که فرمان به دست توست و همه جیره خوار تو هستند.

۱۴۳- مولایم! مُحبّ تو به درگاهت آمد؛ سر پا نگه داشته او را تنگدستی، می کوبد در نیکی ات را با دعایش، پس مگردان روی کریمت را از من.

۱۴۴- مولایم! تو را می خوانم؛ امیدوارم که برنگردانی مرا به خاطر شناختی که دارم از مهرورزی ات و مهربانی ات.

۱۴۵- مولایم! تویی آنکه سؤال پیچ نکند تو را سؤال کننده ای و نگاهد از تو به مقصود رسیده ای.

۱۴۶- مولایم! از شما می خواهم به این محبّ عاصی، بردباری جمیل و فتح و گشایشی قریب و سخن صادق و پاداش عظیم عنایت فرمایی تا از طریقت شما بازمانده نشوم.

۱۴۷- مولایم! از شما می خواهم، نیکی همه اش، آنچه از آن می دانم و آنچه نمی دانم را به این فقیر درگاهت عطا فرمایی.

۱۴۸- مولایم! شما بهترین کسی هستی که در خواست شوی و بخشنده ترین کسی هستی که عطا می کنی.

پس عطا کن! درخواستم درباره پدر و مادرم و برادران و خواهرانم و فرزندان و اهل و عشیرتم که همه آنها را مرهون بخشش خاصه خود قرار دهی.

۱۴۹- مولایم! زندگانی ام را به سیره خودتان قرار ده و مردانگی ام را آشکار کن و حالاتم را نیکو گردان و مرا از آنان قرار ده که برکت در عمرشان دادی.

۱۵۰- مولایم! مرا از کسانی که نیکو گردانیدی کردارشان را و کامل گردانیدی بر ایشان نعمت را و خشنود شدی از ایشان و به زندگی پاکیزه زنده نگه داشتی قرار ده!

۱۵۱- مولایم! پایدارترین سرور و فراخترین کرامت و کامل ترین زندگی آن است که مهر شما بر آن باشد؛ پس این مهر را بر طریقت مهدوی بر من بزن تا با شما و برای شما باشم.

۱۵۲- مولایم! مخصوص گردان مرا از جانب خودت به یاد کردن مخصوصت.

۱۵۳- مولایم! قرار نده چیزی را از آنچه نزدیکی کنم به وسیله آن در اوقات شب و کنارهای روز به خودنمایی، نه به خودپسندی و نه به خودبزرگی بینی.

۱۵۴- مولایم! مرا برای خودت از فروتنان (خاشعین) قرار ده!

۱۵۵- مولایم! فراخی در رزقم و اطمینان در وطنم و ماندگاری در نعمت‌هایم، بدون عنایت شما، متزلزل و ناهماهنگ می‌باشد پس از عطایت مرا محروم مفرما!

۱۵۶- مولایم! جسم سلامتی می‌خواهد و دین‌داری عافیت؛ و این‌ها نمی‌شود مگر به فیض فیاضیت شما.

۱۵۷- مولایم! مرا بگمار به فرمان‌بری‌ات همیشه، تا آنجا که زندگانی دارم تا اینکه من بهره‌ورترین بندگانت از لحاظ بهره‌وری از هر نیکی که دوست داری، باشم.

۱۵۸- مولایم! مرا به مهربانی گسترده خود بهره‌مند ساز! و به سلامتی و عافیت پیوشان! و بلاها را از من دور بفرما! و توفیق انجام حسنات را نصیبم کن و دفع سیئات را از من دور بفرما!

۱۵۹- مولایم! مرا از فضل رزق واسع روزی کن و از من بدی‌ها را بازگردان، تا دیونی که بدهکارم را بپردازم.

۱۶۰- مولایم! بگیر از من گوش‌ها و چشم‌های دشمنانم و حسد کنندگان و شورش کنندگان بر من را؛ و مرا بر ایشان پیروز گردان!

۱۶۱- مولایم! چشم‌هایم را نورانی کن و دلم را شاد گردان! و قرار ده بر من از غم و غصه‌ام گشایشی و مخرجی.

۱۶۲- مولایم! هر که قصد بدی مرا کرده از همه آدم‌ها، دفع آنها بفرما! که من به تنهایی قدرت دفع آنها را ندارم.

۱۶۳- مولایم! کفایت کن مرا از بدی شیطان و بدی پادشاه و بدی‌های کردارم.

۱۶۴- مولایم! مرا از همه گناهانم پاکیزه گردان و از آتش بدی‌هایم نجات فرما!

۱۶۵- مولایم! برسان مرا به دوستان نیکو کارت و به شیعیان صالحت و عاشقان خالصت.

۱۶۶- مولایم! اگر به گناهانم نگاه کنی و بازخواست نمائی من تو را بگذشتت باز خواهیم.

۱۶۷- مولایم! اگر مرا به فرومایگی ام بازخواست کنی، من به کرمّت باز خواهیمت.

۱۶۸- مولایم! اگر فقط به دوستان و شیعیان خالص و ناب نگاه کنی، پس من گناهکار به چه کسی پناه برم؟

۱۶۹- مولایم! اگر خواسته باشی فقط اهل وفا و پیمان را گرامی بداری، پس من بدکار از چه کسی فریادرسی بخوایم؟

۱۷۰- مولایم! اگر من به آتش جهنم بروم آنجا شادمانی دشمنت است و اگر به عنایت شما به بهشت بروم آنجا شادمانی پیامبر و اجدادت می باشد.

همانا سرور اجدادت بهتر است به تو، از شادمانی دشمنت.

۱۷۱- مولایم! از تو می خواهیم دلم را از دوستی خودت پر کنی و همچنین ترسیدن از خودت را در دلم بیفکنی تا به دنبال معاصی نروم.

۱۷۲- مولایم! اقرار و ایمان به شما دارم؛ اما علاقه‌مندی من به شما به خاطر هوای نفس کم است؛ لذا دلتنگ شما نمی‌شوم و از درون برای شما نمی‌سوزم و گریه‌ام نمی‌گیرد؛ جز این نیست که فقط عنایت خاصه شما می‌تواند ذوقم و دلتنگیم و سوز درونم را زیاد کند.

۱۷۳- مولایم! خوشایند گردان! به من دیدارت را و خوشایند بدار! دیدارم را؛ چرا که دیدارت آسودگی و گشایش و کرامت است.

۱۷۴- مولایم! مرا به نیکوکارانت و محبین ات متصل بفرما و لازم گردان! به من راه آنان را.

۱۷۵- مولایم! برای غلبه بر نفسم مرا یاری کن! که به تنهایی نمی‌توانم این کار را بکنم؛ چون ضعیف و تنبل و کاهلم.

۱۷۶- مولایم! به پایان بر کردارم را با نیکوترینش و یاری کن به من بر شایسته آنچه بخشیدی به من.

۱۷۷- مولایم! مرا بر دوستی ات پایدار بدار و با اینکه قبلاً مرا نجات دادی، حال به بدی‌هایم باز مگردان مرا.

۱۷۸- مولایم! ایمانم را کامل کن و مرا بر دوستی‌ات زنده
بدار مادامی که زنده هستیم و با همان مرا بمیران، تا در
برزخ و قیامت با دوستی‌ات محشور شوم.

۱۷۹- مولایم! پاک گردان دل‌م را از خودنمایی و دو دلی
و فخر و ... تا اینکه کردارم بی‌آلایش مخصوص شما باشد.

۱۸۰- مولایم! عطا کن به من آگاهی در مذهب و درک
کردن عزت و هوشیاری در دانش به تو را.

۱۸۱- مولایم! زیاد گردان مهربانی‌ات و پرهیزکاری را که
بازدارد مرا از نافرمانی‌هایت.

۱۸۲- مولایم! چهره‌ام را به نورت سفید گردان و قلبم را
به تجلی خاص منور بگردان.

۱۸۳- مولایم! به آنچه نزد مبارک شماست، رغبت و
علاقه‌ام را بیشتر بفرما و مرا در راه و سیره اجداد گرامی‌ات
بمیران!

۱۸۴- مولایم! من به تو پناه می‌برم، از تنبلی و کاهلی و
ترسویی و تنگ چشمی و بی‌خبری و سنگدلی و بیچارگی

و نداری و درماندگی و هر گرفتاری و کارهای زشت،
آنچه آشکار و پنهان شود.

۱۸۵- مولایم! پناه می‌برم به تو از نفسم که به بهره خود
راضی نمی‌شود و به شکمم که سیر نمی‌گردد و دلم که از
شما نترسد و کرداری که سود ندهد.

۱۸۶- مولایم! پناه می‌برم از شیطان رانده شده به تو؛ بر
نفسم و دینم و مالم و به همه چیزی که از عنایت شما از
ازل تا به حال به من رسیده است.

۱۸۷- مولایم! به راستی پناه ندهد مرا غیر از تو کسی و
نمی‌یابم از غیر تو پناهگاهی.

۱۸۸- مولایم! از من قبول کن هر چیزی را که به شما
هدیه می‌نمایم و والا گردان! یاد من تو را و رتبه‌ام را نزد
خودت بلندمرتبه قرار ده.

۱۸۹- مولایم! فرو ریز گناهم را و مرا به اشتباهاتم یاد مکن
که شرمنده شما ییم.

۱۹۰- مولایم! کاری کن که بیان و دعایم با خشنودی‌ات
همراه باشد.

۱۹۱- مولایم! عطا کن به من همه آنچه را که شما صلاح می‌دانید و درخواست می‌کنم از شما، افزون بخشی‌ات را که به من زیاد گردانی، زیرا من به سویت بسیار علاقه‌مندم.

۱۹۲- مولایم! همانا من بر خودم ستم کردم، پس از من درگذر.

۱۹۳- مولایم! خداوند دستور داده به ما سائل و درخواست‌کننده را دست‌خالی از درگاهمان برنگردانیم؛ من سائلم، به درگاهت آمده‌ام، پس به عطا بخشی‌ات مرا دست‌خالی باز نگردان!

۱۹۴- مولایم! به ما گفته‌اند که به زبردستان به نیکویی رفتار کنیم؛ همانا من برده و زبردست توام، پس گردن ما را از اغلاق (قفل‌ها، گرفتاری‌ها) آزاد کن.

۱۹۵- مولایم! ای پناهم به هنگام گرفتاری‌ام و ای فریادرسم به هنگام سختی‌ام، به‌سوی تو پناه آورده‌ام و به تو فریادرسی خواهم و پناه جویم و به غیر تو پناهنده نشوم.

۱۹۶- مولایم! گشایش را نخواهم مگر از تو، پس به فریادم برس و بگشای از من ای مولایی که دربند را آزاد کنی.

۱۹۷- مولایم! لطف شما کثیر و عطای شما بسیار و پذیرش شما از کم ما دلیل بر این است شما مولایی هستی که خیر کثیر داری و از بدی‌های ما درمی‌گذری، چون شما بخشنده و درگذرنده‌ای.

۱۹۸- مولایم! از شما درخواست ایمانی می‌کنم که در آمیزد بدان دلم و یقینی را که بدانم به‌راستی که هرگز نخواهد رسید به من مگر آنچه نوشته‌ای بر من و مرا به لطفت خشنود می‌سازی.

۱۹۹- مولایم! پوشانده به من گناهان، لباس خواری را و بر تنم کرده دوری از تو لباس بیچارگی را؛ مرده ساخته قلبم را بزرگی گناهانم، پس زنده کن آن را به‌وسیله پذیرش توبه از جانب خودت، ای آرزوی من.

۲۰۰- مولایم! ای مطلوب و خواسته و آرزوی من قسم به عزّت، نمی‌یابم برای کارهای بد خودم، جز بخشش از جانب شما و برای زیانم جز شما جبران‌کننده‌ای نمی‌بینم.

۲۰۱- مولایم! شرمندۀ شمایم، با زاری کردن در برابرت، با انابه به سوی شما با حالت فروتنی، بازگشت می‌دارم.

۲۰۲- مولایم! اگر از درگاهت مرا برانی پس به که پناه برم؟ و هرگاه از درگاهت بازگردانی پس به که پناه برم؟

۲۰۳- مولایم! وای و افسوس از شرمندگی‌ام و رسوائی‌ام. ای وای! از حسرت و اندوه از بدی کردارم و آنچه به دست آورده‌ام.

۲۰۴- مولایم! از تو درخواست می‌کنم اینکه ببخشی بر من خطاهای هلاکت بارم را و بیوشانی بر من اسرار رسوا کننده‌ام را و مرا از خنکی گذشتت بهره‌مند فرمائی و مرا محروم نکنی از زیبا چشم‌پوشی‌ات.

۲۰۵- مولایم! بر گناهانم سایهٔ رحمتت را بینداز و بفرست بر نکوهش‌هایم ابر مهربانی‌ات را.

۲۰۶- مولایم! آیا بندهٔ فراری جز به‌سوی آقایش بر می‌گردد؟ آیا پناه می‌دهد او را از شدت خشم ارباب، کسی جز خود او.

۲۰۷- مولایم! قسم به عزّتت، من از پشیمانانم و مستغفرینم
و از شما رضایت و خشنودی ات را خواهانم.

۲۰۸- مولایم! شما توانائی و بردباری داری؛ از شما
می‌خواهم، به حقّ قدرت و حلمت، این ضعیف و بی‌صبر
را از عطایای خاصّت بهره‌مند فرمایی.

۲۰۹- مولایم! شما صاحب عفو و توأبی؛ از من بازگشت
واقعی می‌خواهی، پس چیست بهانه آنکه غافل شود از
وارد شدن از این در پس از باز شدنش.

۲۱۰- مولایم! گناه از من است و شما مولایمان می‌باشی؛
پس چه زیباست گذشت از جانب شما مولای کریم.

۲۱۱- مولایم! شما اجابت‌کننده در مانده و برطرف‌کننده
بدحالی و بزرگی، در نیکی‌ها؛ آگاه به نهان‌ها و زیبا
پرده‌پوش می‌باشی؛ به درگاهت و از آستانت با تمسک و
توسّل به جود و کرمّت آمده‌ام، پس قبول کن دعایم را و
محروم مگردان! درباره‌ات امیدم را و در گذر از خطایایم
با منّت و رحمتت.

۲۱۲- مولایم! به تو شکایت می‌کنم از نفسم که مرا به زشتی وادارنده و به خطاکاری شتابنده و به گناهان حریص است و اسباب خشم را فراهم می‌کند؛ پس مرا از این نفس آماره نجات بده!

۲۱۳- مولایم! نفسم مرا به راه‌های نابودی می‌کشاند و نزدت خوار می‌کند.

نفسم دارای عیب و بهانه‌های زیاد است؛ آرزوی دراز دارد؛ هرگاه به او بدی برسد بی‌تابی می‌کند و هرگاه خوبی برسد، مانع می‌شود.

۲۱۴- مولایم! سال‌هاست که نفسم مرا به‌سوی بازی و بیهودگی می‌برد و در بی‌خبری و اشتباه غرق است و به‌سرعت مرا به‌سوی گناه می‌برد و توبه را به تأخیر می‌اندازد؛ پس مرا از این دام‌ها و حیل‌های نفس آماره نجات بده.

۲۱۵- مولایم! به تو شکایت می‌کنم از دشمنی که مرا گمراه می‌کند و از شیطنانی که مرا از راه به در می‌کند؛

همانا با تشویش سینه‌ام را پر کرده است، پس فراگرفته
آرزوهای نفسانی دلم را.

۲۱۶- مولایم! گله می‌کنم از نفسم که دارای هواهاست
که دوستی دنیا را بر من آرایش می‌دهد و حائل می‌شود
میان من و عبادت و نزدیکی به تو.

۲۱۷- مولایم! شکایت می‌کنم به تو از دل بی‌رحمی که با
تشویش دگرگون شونده است و با زنگار و خوی زشت
پوشیده است و چشمی که از گریه کردن از ترس تو
خشک است و به‌سوی آنچه شاد می‌کند او را نگرنده است.

۲۱۸- مولایم! نیست توانائی در من و نه نیرویی، مگر با
توانائی تو؛ و نیست راه نجاتی بر من از ناپسندی‌های دنیا
مگر با بازدارندگی تو؛ پس درخواست می‌کنم از تو به حق
حکمت و نفوذ اراده‌ات، اینکه نگردانی مرا به غیر از
بخششت که درخواست‌کننده هستم.

۲۱۹- مولایم! مرا از آشوب‌ها نکه بدار و باش بر من علیه
دشمنان یاری‌کننده و بر رسوائی‌ها و زشتی‌ها پوشنده و

از گرفتاری‌ها، نگهدارنده و از گناهان، بازدارنده به رأفت و مهربانی‌ات ای مولای مولایان.

۲۲۰- مولایم! فکر نمی‌کنم مرا پس از دوستی و علاقه‌ام به تو از خود برانی، یا با امید به رحمت و چشم‌پوشی‌ات محروم کنی یا با پناه خواهی‌ام به گذشتت از من دست بداری؛ حاشا! از کرمت که محروم کنی.

۲۲۱- مولایم! نمی‌دانم آیا مادرم برای بدبختی مرا زاده است، یا برای رنج پرورده؛ پس ای کاش مادرم مرا نمی‌زائید و پرورش نمی‌داد که به خاطر خطاهایم سبب رنجش شما می‌شوم.

۲۲۲- مولایم! کاش می‌دانستم آیا از اهل خوشبختی به شما هستم که مرا مخصوص قرب و جوار خود گردانیدی، پس بدان چشمم روشن شود و نفسم از آن آرام گیرد.

۲۲۳- مولایم! آیا صورتم که برابر بزرگواری‌ات به خاکساری می‌افتد و زبانم به قدر قالب و فهم من، گویا به ستایش توست و دلم به محبت مشغول است و گوشم که از اسم و یاد لذت برده و پایم که سعی در توسلات به تو

ایستادگی می نماید و دستم به سوی تو با آرزوهایم به امید
مهربانی ات بلند می شود، مورد قبول شما واقع می شود؟

۲۲۴- مولایم! نبند بر دوستت درهای رحمت را و در
حجاب نگه مدار شیفته ات را از نگاه کردن به جمالت.

۲۲۵- مولایم! جانم می خواهد به دوستی ات متصل باشد،
پس به هجرانت مبتلا مکن و نهادم را که آراسته شده بر
دوستی ات با حرارت فراق مسوزان.

۲۲۶- مولایم! ای دلسوز، ای منت گذار، ای مهربان، ای
بخشنده! ای عیب پوش! مرا از شکنجه آتش دنیوی و
اخروی نجات بخش!

۲۲۷- مولایم! خوش به حال نیکوکارانت که به تو نزدیک
شوند و بد به حال من که با کارهایم از تو دور می شوم.
به خاطر دگرگونی حال و حالی به حالی شدنش فاصله
می گیرم و آن سبب رسوائی من می شود؛ پس مرا به حال
خود مگذار و جزء دوستان خاصت قرار بده، ای محسن و
ای رحیم!

۲۲۸- مولایم! شما کسی هستی که هرگاه بنده‌ای از شما درخواست کند، به او عطا می‌کنی، و هرگاه آرزو کند آنچه را در نزد شماست او را به آرزویش می‌رسانی و هرگاه روی به سوی شما آورد، او را به خود نزدیک می‌گردانی.

۲۲۹- مولایم! شما کسی هستی که هرگاه ظاهر شود از بنده‌ای گناه، پرده بر گناهش می‌افکنی و هرگاه بنده بر شما توکل کند، او را کفایت می‌کنی.

۲۳۰- مولایم! شما مقامی داری که هر کسی وارد شود بر شما خواهش کنان، او را پذیرایی کنی و اگر فرود آید به درگاهت با امید به بخششت، او را احسان می‌کنی.

۲۳۱- مولایم! درگاه شما، درگاهی است که کسی محروم بر نمی‌گردد، چون که شما موصوف و معروف به احسان کردن هستی.

۲۳۲- مولایم! همه خیر به دست شماست؛ پس چگونه امید بندم به غیر تو؟ عالم خلق به دست شماست؛ آیا قطع

می کنی امیدم را از خودت، درحالی که احسان کردی به من آنچه را که نخواسته بودم از فضل.

۲۳۳- مولایم! من نیازمندم و چنگ به ریسمان شما می زنم، پس مرا ناامید مکن.

۲۳۴- مولایم! هر کس در سایه رحمت شما قرار گرفت خوشبخت شد و هر کس از شما آمرزش خواهی کرد بدبخت نگردد.

۲۳۵- مولایم! چگونه تو را فراموش کنم، حال آنکه مدام یاد کننده شمایم؛ چگونه غافل شوم از شما، حال آنکه شما مراقب من هستی.

۲۳۶- مولایم! به دامان کرامت دستم را آویخته ام و برای رسیدن به بخشش های آرزویم را گسترده ام؛ پس مرا خالص کن و مرا از دوستان برگزیده ات قرار ده.

۲۳۷- مولایم! شما بهترین امید داشته شده و کریم ترین خواننده شده هستی که هر جوینده ای امید به شما می برد؛ شما سائل را رد نمی کنی و آرزو کننده به خودت را ناامید نمی گردانی.

۲۳۸- مولایم! درگاهت برای درخواست کننده باز است و کسی که امید کننده به شماست، حجاب و پرده‌اش بالا زده است؛ درخواست می‌کنم از تو به کرمت اینکه ممت‌گذاری بر من از بخششت، بدان اندازه که آسان شود گرفتاری‌های دنیا بر من.

۲۳۹- مولایم! دور گردان از پردهٔ دل، پرده‌های کوری را ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان!

۲۴۰- مولایم! اگر توشه‌ام کم است و قابلیت ندارد، اما حسن ظنم با اعتمادی که بر شما دارم زیاد است؛ اگر خطاهایم مرا می‌ترساند از اینکه شما مرا مورد مؤاخذه قرار بدهی، همانا امیدم مرا خبر می‌دهد به ایمنی از این موضوع.

۲۴۱- مولایم! اگر مرا بی‌خبری فرو برده از آمادگی برای دیدارت، همانا معرفت به کرمت و بخشش‌هایت مرا بیدار کرده است؛ می‌دانم که کثرت عصیان و طغیان بین من و تو فاصله انداخته است؛ اما غفران و خشنودیات مرا همدمی کند که از تو ناامید نگردم.

۲۴۲- مولایم! درخواست می‌کنم از تو به حق نور جمالت و تابش‌های قداستت، پس خالصانه زاری می‌کنم به سویت به حق عواطف مهربانی‌ات و لطایف احسانت.

۲۴۳- مولایم! امیدوارم اینکه تحقق‌بخشی گمانم را بدان چه آرزو کرده‌ام آن را از فراوانی اکرام و انعام دادنت و منزلت در پیشگاهت و لذت بردن به تماشای به سویت.

۲۴۴- مولایم! من دست نیاز به طرف شما بلند می‌کنم برای نسیم‌های جان‌بخش و توجهت.

۲۴۵- مولایم! من در طلب باران بخشش و لطف هستم، از خشم و به طرف خشنودی‌ات رونده‌ام؛ امیدکننده‌ام به بهترین آنچه که در پیشگاه توست؛ اعتماد کننده‌ام بر بخشش‌های تو و نیازمندم به نگاهداشتت.

۲۴۶- مولایم! آنچه شروع کردی از فضلت به من، پس آن را به پایان هم برسان و آنچه را بخشیدی بر من از کرمات، پس نگیر آن را و آنچه را پوشانده‌ای بر من با حلمت پس پرده آن را مَدَر و آنچه می‌دانی از زشت کاری‌ام پس آن را به پرده‌پوشی‌ات واگذار.

۲۴۷- مولایم! من از تو به تو میانجیگری می‌طلبم و از تو به تو پناه می‌آورم؛ آمده‌ام به سویت درحالی که چشم طمع دارم به احسانت و علاقه‌مند به منت‌گذاری‌ات و تشنه آب باران رحمت می‌باشم.

۲۴۸- مولایم! طالب خشنودی‌هایت و عازم آستانت، وارد شریعه عطایت می‌باشم.

۲۴۹- مولایم! خواهشمند درخشان‌ترین نیکی‌ها از پیشگاهت می‌باشم و جمالت را خواهانم و از اراده‌کنندگانم تا صورت زیبایت را ببینم.

۲۵۰- مولایم! کوبنده درت هستم، درمانده در برابر بزرگی و شکوهت، پس آنچه را تویی سزاوار آن از رحمت بر من روا مدار! و آنچه را من لایق شکنجه هستم بر من روا مدار! ای راحم و ای غافر!

۲۵۱- مولایم! چون پی‌درپی بخششت به من رسیده، من را از سپاسگزاری تو غافل کرده و ریزش مدام فضلت، مرا از شمردن ستایش ناتوان کرده است.

۲۵۲- مولایم! از بس دستگیری از من کرده‌ای، ناتوان کرده مرا از شمارش نیکوئی هایت.

۲۵۳- مولایم! اقرار می‌کنم به وفور تفضلاتت؛ ولیکن من با آنها با کوتاهی برخورد می‌کنم.

۲۵۴- مولایم! تویی مهربان بخشنده نیکوکار احسان‌بخش و من آدمی هستم سست کار و وقت‌گذران و تضييع عمر کننده؛ به صفات جمالی و علیایی ات مرا از این حال نجات بفرما.

۲۵۵- مولایم! من محبّ ضعیفی هستم اما می‌دانم هر آرزومندی به آستان شما باشد رانده نمی‌شود، چراکه آستان شما محل بارهای امیدواران است.

۲۵۶- مولایم! من عجاجوی شمایم؛ از کرم شما به دور است که از این ناتوان دوستدارت رو برگردانی و او را مبتلا به یأس نمایی.

۲۵۷- مولایم! ناچیز است در برابر بزرگ‌نمایی لطف‌هایت سپاسم و حقیر است در کنار گرامی داشتنت مرا، سپاسم و سپاس گستری‌ام.

۲۵۸- مولایم! پوشانده مرا الطافت از انوار لباس‌های بلند
ایمان و زده بر سرم پسندیده‌های نیکت از بزرگواری از
پوشش‌های نرم و نازک.

۲۵۹- مولایم! آویخته به گردنم منت‌هایت، آویزهایی که
باز نگردد؛ و به گردنم انداخته، گردنبندهایی که شکسته
نگردد.

۲۶۰- مولایم! نعمت‌ها و فیض‌هایت چنان زیاد و جمع
است که ناتوان است زبانه از شمارش آن و لطف‌هایت
چنان بسیار است که کوتاه است شعور من از درک آنها تا
چه رسد به نهایت رسیدن آنها.

۲۶۱- مولایم! چگونه ممکن است بر من به‌دست آوردن
سپاسگزاری، حال آنکه سپاسگزاری من تو را نیازمند است
به سپاسگزاری دیگر، پس هرگاه گفتیم: تو راست ستایش،
لازم شود بر من که برای آن نیز بگویم تو راست ستایش.

۲۶۲- مولایم! همه نوع امکانات به ما دادی و ما را به‌طرف
خودت پرورش دادی و لیکن ما لنگ و لوک راه می‌رویم

و درمانده‌ایم، پس بر ما فراوان نعمت‌ها و الطاف را تمام کن و از ما ناگواری‌ها را دفع کن.

۲۶۳- مولایم! بده به ما از حظوظ مادی و معنوی دو جهان برجسته‌ترینش را؛ چرا که عطایای تو بلند و کامل و احسن است و چشم داشت به دست عطایای ات داریم.

۲۶۴- مولایم! تو راست ستایش بر فراوانی انعامت، ستایشی که موافق خشنودی توست.

ای بزرگوار! ای بخشنده! احسان و اکرام خود را در هیچ حالی از ما دریغ مدار که ما فقیر و نیازمند مطلقیم.

۲۶۵- مولایم! بر ما الهام کن تا فرمان بردارت باشیم و از نافرمانبری‌ات به دور باشیم.

۲۶۶- مولایم! آسان کن بر ما رسیدن به آنچه آرزو می‌کنیم از جستن خشنودی‌ات، و دور ساز از دیدگان ما ابرهای شک و تردید و دودلی و کوردلی را.

۲۶۷- مولایم! نابود گردان باطل را از نهادهای ما و ثابت کن به کرمات حق را در باطن‌های ما؛ به راستی که دودلی و گمان‌ها، آبتن آشوب‌هایند.

۲۶۸- مولایم! ما را در کشتی‌های نجاتت سوار کن و بهره‌ور گردان به صدای مناجاتت؛ وارد کن ما را بر حوض‌های دوستی‌ات و بچشان ما را شیرینی محبت و نزدیکی‌ات را.

۲۶۹- مولایم! تلاش ما را در راهت قرار ده و همت ما را در فرمان‌بری‌ات و ناب گردان نیت‌های ما را برایت، به‌راستی ما به تو و برای تو هستیم و نیست وسیله‌ای برای ما به سویت جز تو.

۲۷۰- مولایم! قرار داده مرا از برگزیدگان خوبانت و متصل کن مرا به شایستگان و نیکانت که سبقت گیرندگان به‌سوی اکرام‌های تو هستند.

۲۷۱- مولایم! توفیق ده مرا که باشم شتابنده به‌سوی نیکی‌هایت و عمل‌کننده برای کارهای نیک ماندگارت و کوشش‌کننده به‌سوی رفعتت؛ ای مولایی! که به اجابت کردن سزاواری.

۲۷۲- مولایم! چقدر تنگ است راه‌ها بر آنکه نباشی تو
راهنمایش؛ چقدر آشکار است حق، پیش آنکه راهنمایی
کرده‌ای او را به راهش.

۲۷۳- مولایم! بکشان ما را بر راه‌های رسیدن به سویت و
رهسپار کن ما را در نزدیک‌ترین راه‌ها برای ورود بر
خودت و نزدیک کن بر ما دوری را و آسان کن بر ما
دشواری و سختی را.

۲۷۴- مولایم! متصل کن ما را به آن بندگان که به پیش
رفتن به سویت می‌شتابند و درت را مدام می‌کوبند و
یادت در شب و روز می‌کنند.

۲۷۵- مولایم! از جلالت در سرور است هر که را صاف و
زالل کردی بر آن مشارب (آبخورها) را و رسانیدی آنان
را به آرزوها و روا ساختی بر آنان خواسته‌ها را و بر آوردی
برای آنان از فضلت حاجت‌ها را.

۲۷۶- مولایم! خوش به حال کسی که پر کردی بر آنان
نهادشان را از دوستی‌ات و سیراب کردی آنان را از آب

طهورت، پس بدین وسیله به لذت راز و نیازهای تو رسیدند.

۲۷۷- مولایم! ای آنکه بر مقبلین (روی آورندگان) بر تو، روی آور هستی و به مهرورزی بر آنان برگیرنده و بخشنده‌ای و به ناآگاهان از یادت دلسوزی و آنان را به سوی درگاه عطوفت و دوستداری‌ات می‌کشانی.

۲۷۸- مولایم! درخواست می‌کنم از تو، اینکه قرار دهی مرا از بهره‌ورترین دوستانت و والاترین آنان در پیشگاهت از لحاظ مقام و برجسته‌ترین آنان از لحاظ قسمت و برترین آنان در شناخت از لحاظ نصیب.

۲۷۹- مولایم! همانا بریده شود به سویت همتم و بازگشته به سویت میلیم، پس تویی نه دیگری مُرادم.

۲۸۰- مولایم! دوست دارم شب‌زنده‌دار باشم برای دیدارت که لقاء تو نور چشم من است و رسیدن به تو آرزوی دلم است و به‌سوی توست آرزومندی‌ام، پس توفیق شب‌زنده‌داری را به من عطا کن تا مقدمه‌ای باشد برای دیدار تو.

۲۸۱- مولایم! در دوستی توست شیفتگی ام و به سوی عشق توست دلدادگی ام و خوشنودی توست آرزویم و دیدار توست نیازم و همسایگی توست خواسته ام و نزدیکی توست آخرین سؤالم.

۲۸۲- مولایم! وقتی با تو راز و نیاز می کنم، دل زنده و آسوده خاطرم؛ در پیشگاه توست داروی دردم و بهبودی سوز جگرم و خنکی سوز دلم و برطرف شدن گرفتاری ام.

۲۸۳- مولایم! باش همدم من در هراسم و نادیده گیر لغزشم را و ببخش لرزشم را پس درخواست مرا پاسخ گوی، ای سرپرست من!

۲۸۴- مولایم! مرا از خودت دور نکن! ای وسیله شادکامی در زندگی ام و ای بهشت من و ای دنیا و آخرتم.

۲۸۵- مولایم! کیست آنکه چشید شیرینی دوستی ات را، پس به دوستی دیگری روی آورد؟ کیست آنکه خو گرفت به نزدیکی ات پس از تو روی گردان شد؟

۲۸۶- مولایم! قرار ده مرا از آنانی که برگزیدی برای قربت و دوستی ات و خالص کردی برای مودتت و مشتاق

کردی او را به سوی دیدارت و خشنود ساختی او را به اراده‌ات.

۲۸۷- مولایم! خوش به حال کسانی که نظرشان به سوی توست و متصل گردانیدی آنان را به خشنودی‌ات و پناه دادی آنان را از دوری‌ات و نشاندی آنان را در جایگاه راستی جوارت و مخصوص گردانیدی آنان را به معرفت.

۲۸۸- مولایم! خوش به حال کسانی که آنان را لایق گردانیدی برای دوستی‌ات و دل‌باخته کردی دل آنان را برای خواسته‌ات و برگزیدی آنان را بر نگرستن و خالی کردی روی دلشان را برای خودت و پرداختی دلشان را برای مودتت و آزمند کردی آنان را در آنچه پیش توست.

۲۸۹- مولایم! اهل عنایت کسانی هستند که یادت را به آنان الهام کردی و برانگیزاندی آنان را به سپاست و مشغول ساختی آنان را به فرمان‌بری‌ات و گردانیدی آنان را از شایستگان آفریدگانت و برگزیدی آنان را برای راز و نیازت و بریدی از آنان هر چیزی که می‌برد او را از تو.

۲۹۰- مولایم! قرار ده ما را از آنان که عادتشان شادمانی به درگاه تو و ناله و زاری است. روزگارشان آه و ناله به درگاه توست و دیدگانشان چشم به راهت می‌باشد و از بزرگی تو اشکشان روان است.

۲۹۱- مولایم! قرار ده مرا از کسانی که توفیق خدمت کردن به تو را داشته باشد و قلبش آویزان به دوستی تو باشد و دلش از شکوه تو منجلی باشد.

۲۹۲- مولایم! انوار قدسی‌ات برای دیدگان دوستانت کمال روشنائی است و انوار جمالت بر دل‌های عارفانت جلابخش است؛ ای آرزوی دل‌های مشتاقانت و ای منتهای آرزوهای دوستدارانت!

۲۹۳- مولایم! دوستی‌ات را و دوستی آن را که تو را دوست می‌دارد و دوستی هر عملی را که مرا به سوی نزدیکی‌ات برساند خواهانم.

۲۹۴- مولایم! قرار بده دوست تر خودت را به من از آنچه غیر دوست و اینکه قرار دهی دوستی‌ام را مخصوص تو تا کشنده باشد به سوی خشنودی‌ات.

۲۹۵- مولایم! هر چه شوق خود را در من بیشتر بگذاری، از نافرمانی‌ات دور شونده می‌شوم، پس منت بگذار و توجه به این محب را بیشتر بفرما.

۲۹۶- مولایم! مرا به دیدهٔ محبت و مهربانی نگاه بفرما و رویت را از من مگردان!

۲۹۷- مولایم! مرا از اهل سعادت و بهره‌مندی در پیشگاهت قرار بده! ای پذیرنده! ای دلسوزترین مهربانان!

۲۹۸- مولایم! نیست بر من وسیله‌ای به درگاهت جز نیکی‌های رحمت و میانجیگری پیامبرت که پیامبر رحمت و نجات‌دهندهٔ امت از اندوه و سختی بود.

۲۹۹- مولایم! مرا نیل به رضوانت می‌باشد پس به کرمتم مرا به این فوز برسان! همانا بارانداخته امیدم به در خانهٔ بخشندگی‌ات و طعمم به آستانت می‌باشد، پس به واقعیت برسان مرا به آرزوی در خودت!

۳۰۰- مولایم! قرار بده مرا از برگزیدگانت، آنان که در آوردی آنان را در وادی مودتت و جا دادی در خانهٔ

کرامت و روشن کردی دیدگان را به تماشایت و وارث گردانیدی آنان را در منزلگاه های راستی در کنارت.

۳۰۱- مولایم! بخشنده تر از تو کسی نیست، تا بدان جا روند و نیابند اراده کنندگان دلسوزتر از آن؛ ای بهترین کسی که محبّ تو می تواند با تو خلوت و راز و نیاز کند.

۳۰۲- ای مهربان ترین کسی که پناهنده شود به درگاهش رانده شده؛ به سوی وسعت گذشتت دست را دراز کردم و به دامن کرمت آویزان شده ام، پس مسلّط مکن بر من محرومیتی را و به ناامیدی و زیانکاری گرفتار مکن ای شنونده دعا، ای دلسوزترین مهربانان!

۳۰۳- مولایم! کمبودم را جبران نمی کند جز لطف و مهربانی ات و نیازمندی ام را بی نیاز نکند جز توجه و احسانت و هراسم را آرامش ندهد جز امان تو و خواری ام را عزیز نکند جز قدرتت و آرزویم نرساند مرا بدان جز فضلت.

۳۰۴- مولایم! شکافم را نبندد جز بخشش و نیازم را برآورده نکند جز تو و گرفتاری‌ام را نگشاید جز رحمت و بیچارگی‌ام را برطرف نکند جز مهربانی‌ات.

۳۰۵- مولایم! سوز تشنگی شدیدم را خنک نکند جز وصلت و آتش دلم را خاموش نکند، جز ملاقات.

۳۰۶- مولایم! آرزومندی‌ام به درگاهت را سیراب نکند جز تماشای به‌سوی جمالت؛ و آرامشم برقرار نگردد بدون نزدیکی از تو؛ و افسوسم بر نگرداند جز نسیم جان‌بخش و بیماری‌ام را بهبودی نبخشد جز طبابت.

۳۰۷- مولایم! غصه‌ام را از بین نبرد جز نزدیکی‌ات و زخمم را خوب نکند جز چشم‌پوشی‌ات و زنگار دلم را جلا ندهد جز گذشت.

۳۰۸- مولایم! دودلی در سینه‌ام را از میان نبرد جز فرمانت ای آخرین آرزوی آرزومندان!

۳۰۹- مولایم! شما نهایت (برترین) خواسته‌ جویندگانی و والاترین آرزوی علاقه‌مندانی و سرپرست شایستگانی و امان ترسویانی.

۳۱۰- مولایم! شما قبول کننده درخواست درماندگانی و ذخیره ندادارانی و گنج بینوایانی و فریادرس بیچارگانی و برآورنده نیازهای بی چیزان و تهیدستانی.

۳۱۱- مولایم! شما بخشنده ترین بخشدگانی و دلسوزترین مهربانانی؛ برای توست فروتنی ام و درخواستم؛ و به سوی توست گریه و زاری و ناله ام.

۳۱۲- مولایم! از تو درخواست می کنم برسانی به من از نسیم جان بخش خشنودی ات و ادامه دهی بر من الطافت را.

۳۱۳- مولایم! من اینک به در خانه کرمت ایستاده ام و برای وزش های نیکی ات دست دراز کننده ام و به ریسمان محکمت چنگ زنده ام و به دستاویز مطمئن گیرنده ام .

۳۱۴- مولایم! به من محب ناچیز خود، دلسوزی کن که خوار است و زبانش گنگ و عملش اندک است.

۳۱۵- مولایم! بر من منت گذار به بخشش فراوانت و پناه ده از زیر سایه بلندت، ای کریم، ای زیبا و ای دلسوزترین مهربانان!

۳۱۶- مولایم! زبانی از ستایش آن‌طور که شایسته‌ توست کوتاه است و عظم از درک گنه‌ مقام و منزلت تو ناتوان است و دیده‌ام در برابر انوار جمالت وامانده است.

۳۱۷- مولایم! من از شناختت عاجز هستم؛ مرا از آنانی قرار ده که ریشه‌ شوق به‌سوی باغ‌های سینه‌هایشان ریشه‌ دوانده و دربر گرفته‌ سوز محبتت به‌ سراسر قلب‌هایشان؛ پس آنان به باغ‌های مقام قرب می‌رسند.

۳۱۸- مولایم! خوش به حال دوستان خاصّتی که از حوض‌های محبتت با جام مهربانی می‌آشامند و گوارایشان می‌شود.

چون پرده از دیده‌هایشان برداشته شده و تاریکی و شک از نهادشان زدوده شد و اضطراب و دودلی از دل‌هایشان نیست گردیده، پس مرا هم با عنایتت از ایشان قرار ده.

۳۱۹- مولایم! کسانی هستند که از عنایت شما باز شده معرفت در سینه‌هایشان؛ و عالی شده برای ربودن (کسب) خوشبختی در پارسائی همت‌هایشان و پاکیزه گردیده در

محفل انس، رازشان و ایمن گشته در محل های ترسناک،
جانشان و من عاصی به حال آنان غبطه می خورم!!

۳۲۰- مولایم! مرا به باور کامل موفق بدار تا فوز و فلاح
همراهم باشد و چشمم به سوی محبوبم که شما باشید،
روشن گردد.

۳۲۱- مولایم! آرامش من با عنایت شما حاصل شود؛ چه
لذت بخش است اندیشه هایم به یادت که در دلم حاصل
شود و چه شیرین است سیر به سویت با پندار به صواب.

۳۲۲- مولایم! چه خوش است مزه دوستی ات و چه
گواراست نوشیدن مقام قربت، پس مرا در پناهت گیر و به
شما پناه می برم از اینکه از در گاهت طرد و دور شوم.

۳۲۳- مولایم! مرا از ویژه ترین عارفان و شایسته ترین
محبانان و راست گوترین فرمانبرداران و خالص ترین
شیعیان قرار ده! ای بخشنده، ای عطاکننده، ای
دلسوزترین مهربانان!

۳۲۴- مولایم! یاد کردن من تو را، به اندازه خودم است، نه به اندازه خودت و امید است اینکه برسد اندازه من تا قرار گیرم جایی برای تقدیس تو.

۳۲۵- مولایم! از بزرگ‌ترین توفیقات بر من، جاری شدن یاد توست بر زبان من و این جز اذن شما نیست که بر زبانهم جاری شود ذکر شما.

۳۲۶- مولایم! بر محبانت الهام کن یادت را در خلوت و آشکار، شب و روز، پیدا و پنهان، در خوشحالی و بدحالی.

۳۲۷- مولایم! همدم ساز ما را به یاد کردن پنهانی‌ات و وادار ما را به کار پاکیزه و کوشش پسندیده و پاداش ده ما را به اندازه کافی و وافی.

۳۲۸- مولایم! به تو باخته است دل‌های شیفته و بر معرفت تو گردآمده خرده‌های دور از هم؛ پس آرامش نگیرد دل‌ها جز به یاد تو و آرامش ننشینند در دل‌ها جز به یاد تو.

۳۲۹- مولایم! آرام نشود جان‌ها جز هنگام دیدار تو؛ تویی که به پاکی یاد شده‌ای در هر جا و در هر زمان.

۳۳۰- مولایم! خوانده شده‌ای به زبان‌های محبّانت در جهان و در هر دلی معظّم و بزرگواری.

از تو از هر خوشی بدون یادت و از هر آسایشی بدون انس با تو و از هر شادمانی بدون مقام بریت (نیکی) و از هر کاری بدون فرمان‌بری ات پوزش می‌طلبم.

۳۳۱- مولایم! وظیفه ما یاد کثیر شماست؛ اینکه اول روز و آخر روز تو را به پاکی ستایش کنیم؛ بلکه در تمام شبانه‌روز تو را یاد کنیم و این توفیق جز به لطف نمی‌شود.

۳۳۲- مولایم! وعده‌ات حق است و یاد کردنت برای ما بسیار خوشحال‌کننده و موجب سرور است.

۳۳۳- مولایم! ای پناه پناهندگان و ای پناه پناهجویان و ای نجات‌دهنده هلاک‌شوندگان و ای نگهدارنده بیچارگان.

۳۳۴- مولایم! ای دلسوز بینوایان و ای پاسخ‌دهنده ناچاران و ای گنج‌داران و ای شکسته‌بند شکسته‌شدگان.

۳۳۵- مولایم! ای جایگاه آوارگان و ای یاور ناتوان
شمرده شدگان و ای پناه دهنده ترسوین و ای فریادرس
غمگینان و ای دژ پناهندگان!

۳۳۶- مولایم! فقط به تو پناه می‌برم؛ اگر پناهنده نشوم به
قدرت پس به چه کسی پناهنده شوم؟

۳۳۷- مولایم! همانا گناه مرا به‌سوی در آویختن به
دامنه‌های گذشتت، وادار کرده است.

۳۳۸- مولایم! خطاهایم و اشتباهاتم مرا نیازمند کرده
به‌سوی یاری خواستن درهای چشم‌پوشی‌ات.

۳۳۹- مولایم! بدکرداری‌ام مرا خوانده به‌سوی تو از شرِّ
اعمالم، پس مرا قبول فرما، چون می‌ترسم از کارهایم
ناراحت شوی پس به رشتهٔ گذشتت چنگ می‌زنم.

۳۴۰- مولایم! نیست سزای آنکه چنگ زند به ریسمانت که
خوار گردد؛ و سزاوار نیست بدانکه پناه خواهی کند به
بزرگواری‌ات اینکه رها کرده شود یا بی‌جواب بماند.

۳۴۱- مولایم! دست خالی مگردان ما را از پشتیبانی ات و برهنه نکن ما را از نگهداشتت و بازگیر ما را از پرتگاههای نابودی؛ به راستی ما به چشم داشت تو و در پناه تو و برای توایم.

۳۴۲- مولایم! به حق افراد خاص و ویژه ات و نیکوکاران و دوست دارانت نجات ده ما را از نابودیها!

۳۴۳- مولایم! دور ساز ما را از مایه های فساد و نگهدار ما را از سختی های گرفتاری ها و عطا کن بر ما از آرامشت و پیوشان صورت های ما را به انوار محبت!

۳۴۴- مولایم! ما را جای ده به سوی رکن محکمت و در بگیر ما را در گوشه و کنار دامن پاکت، به حق مهربانی ات ای دلسوزترین دلسوزها!

۳۴۵- مولایم! ما در دنیا، در گودال های نیرنگش هستیم و آویخته ما را با دستان آرزوها در رشته های فریش. پس به سوی تو پناه می بریم از مکرها و حيله های نفس اماره و به تو چنگ می زنیم از مغرور شدن به نقش و نگار دنیای فریبنده.

۳۴۶- مولایم! دنیا در پی من است و دنبال نابودی ام است؛ می خواهد مرا به فساد و تباهی بکشد و خوارم کند، پس به حق خوبانت مرا از دشمن بزرگ نجات ده.

۳۴۷- مولایم! ما را به عاقبت به خیری و عافیت تأیید و توفیق ده و برکن از ما پوشش های ناسازگاری را و سرپرستی کن کارهای ما را به نیکو پسندیدگی ات و فراوان گردان افزونی سهم ما را از فراخی رحمت.

۳۴۸- مولایم! زیبا گردان جایزه های ما را از بسیاری بخشش هایت و بنشان در دل های ما درخت های محبت را و به پایان برسان بر ما انوار معرفت را و بچشان به ما شیرینی گذشتت را و خوشی آمرزشت را.

۳۴۹- مولایم! روشن گردان چشمان ما را در روز ملاقات و برای این قابلیت بیرون آر دوستی دنیا را از دل های ما همان طور که کردی به نیکوکاران از شایستگان و نیکان از دوستدارانت ای گرامی ترین گرامی داران!

* برگرفته از مفاتیح الجنان انتشارات پیری ترجمه آقای رضا مرندی.

کتاب‌هایی که از مؤلف در ارتباط با امام زمان (ع) به چاپ رسیده است:

۱- منجی

۲- ارتباط با امام قائم (عج)

۳- وظایف شیعیان در زمان غیبت کبری (در ۴ مجلد)

۴- محبت امام زمان (ع) (در ۳ مجلد)

۵- امام زمان (ع) کیست؟

۶- صفات منتظران

۷- ارتباط با امام مهدی (عج)

۸- زیارات آل یاسین

۹- ارتباط با امام زمان (ع) (کتاب دعا)

۱۰- مناجات نامه محبوب